

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

بیشترین مقداری که از مال زکات می‌تواند برای مستحق آن پرداخت گردد

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته!

شیخ بزرگوار، من پرسشی دارم که اگر وقت داشتید، پاسخ‌اش دهید! تا چه مقدار یک آدم می‌تواند زکات دریافت کند؟ آیا فردی که خانه نداشته باشد می‌تواند به مقدار آبادی خانه پول بگیرد؟ یا این که کدام مقدار و محدوده‌ای برای گرفتن پول زکات است؟ جزاک الله!

پاسخ

وعلیکم‌السلام ورحمت‌الله وبرکاته!

سوال شما از بیشترین مقدار زکات است که می‌تواند برای مستحق آن پرداخت گردد.

جواب این است که در شریعت کدام نص وارد نشده است تا بیشترین حد مقدار زکات را برای مستحق آن واضح سازد؛ اما آیه مبارکه:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه: 60)

ترجمه: (مصرف) صدقات منحصرأ مختص است به (این هشت طایفه): فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آن‌ها کرد؛ (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام) و آزادی بندگان و قرض‌داران و در راه الله (سبحانه و تعالی)؛ (یعنی در راه تبلیغ و رواج دین الله -سبحانه و تعالی-) و به راه درماندگان. این مصارف هشت‌گانه فرض و حکم الله (سبحانه و تعالی) است، که الله (سبحانه و تعالی) دانا و بر تمام مصالح خلق آگاه است.

ممکن است که از این آیه مبارکه بیشترین مقدار زکاتی که باید برای مستحق زکات پرداخت شود استنباط گردد، به گونه‌ای که مستحقین زکات در آیه مبارکه با اوصاف ذکر شدند که همین اوصاف دلالت دارند که به دلیل همین اوصاف باید زکات برای‌شان پرداخت شود؛ یعنی پرداخت زکات برای این اشخاص به علت اوصاف موجوده در آن‌ها بوده و به دلیل همین اوصاف زکات را مستحق می‌شوند. پس هرصنفی از اصناف متذکره در این آیه مبارکه تا زمانی که متصف بر این اوصاف باشند، زکات برای‌شان پرداخته شده و هرگاه از این اوصاف خود خارج شدند، زکات برای‌شان پرداخت نمی‌گردد.

مثلاً: فقراء و مساکین به دلیل صفت فقر و مسکنت مستحق زکات می‌شوند؛ پس بیش‌ترین حد مقداری که از مال زکات برای‌شان داده می‌شود آن است که فقراء و مساکین را به غنا رسانده و از وصف فقیر بودن و مسکین بودن‌شان خارج سازد و بیش‌تر از این حد برای‌شان جائز نبوده؛ البته این مقدار نسبت به اشخاص و احوال اشخاص متفاوت‌اند.

هم‌چنان به گونه‌ی مثال می‌توان گفت، متصدیان در امور زکات که به نام عاملین یاد می‌شوند، به خاطر زکات برای‌شان جائز است که در امور زکات کار و به خاطر همین کارشان زکات برای‌شان داده می‌شود و دولت به اندازه‌ی زحمت‌شان برای‌شان از مال زکات اجرت می‌دهد؛ اگر توسط دولت اجرت‌شان تعیین نشده باشد اجرت مثل برای‌شان داده شده و اضافه بر زحمت و کارشان برای‌شان داده نمی‌شود؛ زیرا این مال در حق عاملین در بخش زکات تبرع و بخشش نبوده؛ بلکه در برابر زحمت و کارشان برای‌شان پرداخت می‌گردد.

هم‌چنان، قرض‌داران به حدی زکات برای‌شان داده می‌شود که قرض‌شان را پرداخت کنند؛ زیرا ایشان زکات را به سبب مدیون بودن‌شان مستحق می‌شوند و هرگاه این وصف از ایشان مرفوع گردد؛ پس از آن مستحق زکات نمی‌باشند. به همین ترتیب همه‌ی اصناف مستحق زکات تا وقتی برای‌شان زکات پرداخت گردد که این اوصاف نسبت به ایشان وجود داشته باشد.

ما با بیان بعضی از مطالب فوق در باب مصارف زکات در کتاب «اموال در دولت خلافت» موضوع را چنین بیان کردیم:

فقراء: فقراء کسانی‌اند که مالی ندارند تا برای حاجات اساسی زندگی‌شان که عبارت از: خوردن، پوشیدن و مسکن‌شان می‌باشند، استفاده کنند. کسی که حاجات اساسی و اولیه زندگی‌اش را نداشته باشد، فقیر گفته شده زکات و صدقه برایش جائز می‌باشد و هم‌چنان جائز است که تا حد مرفوع شدن حاجات و فقراش زکات برایش داده شود.

الله سبحانه و تعالی زکات را برای اغنیاء حرام قرار داده؛ چنان‌چه احمد و اصحاب سنن از عبدالله بن عمرو روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«لا تحل الصدقة لغني، ولا لذي مِرَّةٍ سِوَيِّ»

ترجمه: صدقه برای غنی و صاحب مره جائز نیست.

«ذو مره» صاحب قوت و کسی است که قدرت کسب و کار را داشته و اگر شخص ذکر شده کاری برای کسب خود پیدا نکرد، فقیر پنداشته می‌شود؛ اما غنی کسی است که از غیراش بی‌نیاز بوده و از مایحتاج زندگی‌اش بیش‌تر داشته باشد. احادیثی وجود دارد که غنی را تعریف نموده؛ چنان‌چه از عبدالله بن مسعود روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«ما من أحد يسأل مسألة، وهو عنها غني، إلا جاءت يوم القيامة كدوحاً، أو خدوشاً، أو خموشاً في وجهه. قيل: يا

رسول الله، وما غناه، أو ما يغنيه؟ قال: خمسون درهماً، أو حسابها من الذهب»

ترجمه: (هرکسی از سوال بی‌نیاز باشد و سوال کند در روز قیامت درحالی حاضر می‌شود که چهره‌اش خدشه‌دار و کمرش خمیده می‌باشد. گفته شد یا رسول الله چه چیز شخص را غنی می‌سازد؟ فرمودند: پنجاه درهم یا معادل آن از طلا.)

پس کسی که پنجاه درهم نقره؛ یعنی 148.75 گرام نقره و یا معادل آن را از طلا، اضافه‌تر از خوردنی، پوشیدنی، مسکن، نفقه خانواده و اولاد و خادم‌اش مالک گردید، غنی پنداشته شده گرفتن صدقه برایش جائز نمی‌باشد.

مساکین: مساکین کسانی‌اند که هیچ چیزی نداشته و نابودی آن‌ها را خانه‌نشین کرده و از مردم هم سوال نمی‌کنند. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«ليس المسكين الذي يطوف على الناس، تُرَدُّه اللقمة واللقمتان، والتمرة والتمرتان، ولكن المسكين الذي لا يجد غنى يغنيه، ولا يفطن به فيتصدق عليه، ولا يقوم فيسأل الناس» (متفق عليه)

ترجمه: مسکین شخصی نیست که نزد مردم می‌رود و مردم برایش یک لقمه و یا دو لقمه نانی، یک خرما و یا دو خرما می‌دهند؛ بلکه مسکین کسی است که هیچ چیزی برای خوردن نداشته و کسی از ناداری‌اش آگاه نیست و این شخص نزد مردم نمی‌رود تا از مردم سوال کند.

مسکین نادارتر از فقیر بوده؛ چنان‌چه در این قول الله سبحانه و تعالی ذکر شده است:

﴿أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾

ترجمه: مسکینی که (از اثر نداشتن و گرسنگی خود) بر خاک نشسته است.

برای مسکین زکات جائز بوده تا وقتی مسکنت آن را مرفوع گردیده و حاجات اولیه زندگی‌اش بر آورده شود.

عاملین در بخش زکات: عاملین در بخش زکات، همان متصدیان امور زکات‌اند که برای جمع‌آوری، حفظ و یا توزیع زکات موظف شده و در این بخش کار می‌کنند. برای این گروه مردم زکات جائز است؛ هرچند که از جمله اغنیاء باشند. این حق در برابر وظیفه‌شان در نظر گرفته شده است. ابوعبید از عطاء بن یسار روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لا تحل الصدقة لغني إلا لخمسة: عامل عليها، أو رجل اشتراها بماله، أو رجل له جار فقير تصدق عليه بصدقة

فأهداها إليه، أو غاز، أو مغرم»

ترجمه: غیر از پنج شخص زکات برای اغنیاء جائز نیست، برای متصدیان زکات، شخصی که مال زکات را خریداری می‌نماید، شخصی که مال زکات توسط همسایه فقیری آن گرفته شده و بعداً برای آن هدیه می‌گردد، مجاهد فی سبیل الله و قرض‌دار.

از بسر بن سعید روایت است که ابن سعدی مالکی گفته است:

«استعملني عمر على الصدقة، فلما فرغت منها، وأديتها إليه، أمر لي بعمالة، فقلت: إنما عملت لله. فقال: خذ ما أعطيت، فإني عملت على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم، فعملني، قلت مثل قولك، فقال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: إذا أعطيت شيئاً من غير أن تسأل فكل وتصدق» (متفق عليه)

ترجمه: عمر (رضی الله عنه) مرا به جمع آوری و توزیع زکات مقرر کرد، وقتی از آن فارغ شدم، عمر مرا دستور داد که اجرت خود را بگیرم، من گفتم: من جهت رضای الله سبحانه و تعالی کار و زکات را جمع نمودم، عمر (رضی الله عنه) گفت: من هم در زمان رسول الله صلى الله عليه وسلم برای جمع آوری زکات مقرر شدم و رسول الله صلى الله عليه وسلم اجرت زکات را برابرم داد و من مانند حرف تو گفتم، رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود، وقتی چیزی بدون این که سوال کنی برایت داده شد، بگیر و در صورتی که غنی هم بودی صدقه را در این صورت قبول کن.

مولف القلوب: مولف القلوب کسانی اند که رهبری و زعامت قوم را به دوش داشته و در نفوذ اجتماعی قومشان موثر و از جمله قهرمانان قومشان به حساب می آیند، در دل این مردم تا هنوز ایمان رسوخ نکرده و از استحکام درستی برخوردار نگردیده اند، برای خلیفه و والیان اش جائز است که برای جلب توجه این مردم و یا برای محکم کردن ایمان شان برای شان زکات بدهند. هم چنان خلیفه و والیان اش حق دارند که برای استخدام این طیف از مردم به خاطر مصلحت اسلام و مسلمانان و یا تأثیرگذاری بالای عموم مردم زکات بدهند؛ مثلی که رسول الله صلى الله عليه وسلم برای ابوسفیان، عیینه بن حصن، اقرع بن حابس، عباس بن مرداس و دیگر اشخاصی که همین ویژگی را داشتند، زکات دادند. از عمرو بن تغلب روایت شده است:

«أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى بمال، أو سبي فقسمه، فأعطى رجلاً، وترك رجلاً، فبلغه أن الذين ترك عتبوا، فحمد الله، ثم أثنى عليه، ثم قال: أما بعد، فوالله إني لأعطي الرجل، وأدع الرجل، والذي أدع أحب إلي من الذي أعطي، ولكنني أعطي أقواماً، لما أرى في قلوبهم من الجزع والهلع، وأكل أقواماً إلى ما جعل الله في قلوبهم من الغنى والخير»

ترجمه: رسول الله صلى الله عليه وسلم مال و کنیزهای را به دست آورد، برای تعدادی از مردم داده و برای تعدادی نداد. بعداً برای رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر رسید، آن هائی که مال و کنیز داده نشدند احساس ناراحتی کردند، رسول الله صلى الله عليه وسلم، الله سبحانه و تعالی را ستایش نموده و ثنای الله سبحانه و تعالی را به جا آورده؛ سپس گفت، اما بعد، قسم به الله سبحانه و تعالی که من بعضی را مال دادم و بعضی را ترک نمودم، بدانید آنانی را که از دادن مال ترک کردم دوست داشتنی تر است در نزد من از آن هائی که مال داده شدند، من برای اقوامی که بی قراری و ترس دارند، مال دادم؛ اما اقوامی را ترک کردم که الله سبحانه و تعالی در قلب های شان بی نیازی و خیر را نهاده است.

برای مولف القلوب در صورت زکات جائز است که مسلمان باشند؛ اگر کافر باشند جائز نیست. به دلیل فرموده رسول الله صلى الله عليه وسلم به معاذ بن جبل وقتی که آن را به یمن فرستاد:

«فأعلمهم أن الله افترض عليهم صدقة في أموالهم، تؤخذ من أغنيائهم، وترد على فقرائهم» (بخاری از طریق ابن عباس)

روایت کرده است)

ترجمه: برای شان تعلیم بده که الله (سبحانه و تعالی) در مال‌های شان زکات را فرض نموده تا از اغنیاء شان گرفته و به فقراء شان پرداخته شود.

تا زمانی که علت پرداخت زکات موجود بود، زکات برای شان داده شود؛ اما هرگاه علت موجود نبود، زکات برای شان جایز نمی‌باشد؛ چنان‌چه ابوبکر و عمر از دادن مال برای چنین اشخاص بعد از عزت یافتن و نشر اسلام خودداری نمودند.

رقاب: غلام‌های هستند که زکات به خاطر آزادی شان داده شده و با مال زکات خریداری می‌شوند و اگر غیرمکاتب باشند آزاد می‌شوند؛ اما امروزه غلام وجود ندارد.

غارمون: غارمون قرض‌داران می‌باشند که به خاطر جنجال‌های ذات‌البینی و یا دفع دیات و یا به خاطر مصالح زندگی شخصی شان قرض‌دار شدند.

اما قرض‌دارانی که به خاطر اصلاح ذات‌البینی و یا دفع دیات قرض‌دار شدند، فقیر باشند و یا غنی، زکات برای شان جایز است. در این صورت به هر اندازه‌ای که این طبقه از مردم قرض را متحمل شدند، زکات برای شان پرداخته می‌شود. از انس رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ، لِذِي فَقْرٍ مَدْفَعٍ، أَوْ لِذِي غَرَمٍ مَفْطَعٍ، أَوْ لِذِي دَمٍ مَوْجِعٍ»

ترجمه: سوال تنها برای سه شخص حلال است: کسی که به فقر و ناتوانی دچار است، کسی که به قرض‌داری مواجه بوده و از توان پرداخت آن عاجز می‌باشد و هم‌چنان شخصی که به خون افتاده باشد.

مسلم، ابوداود و نسائی از قبیصه بن مخارق هلالی روایت نموده که گفته است:

«تَحَمَلْتُ حَمَالَةً، فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَسْأَلُهُ فِيهَا، فَقَالَ: أَقِمَّ حَتَّى تَأْتِنَا الصَّدَقَةُ، فَنَأْمُرُ لَكَ بِهَا، ثُمَّ قَالَ: يَا قَبِيصَةَ، إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةً: رَجُلٌ تَحْمِلُ حَمَالَةً، فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يَصِيبَهَا، ثُمَّ يَمْسُكُ، وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ جَائِحَةٌ اجْتَا حَتَّ مَالِهِ، فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يَصِيبَ قَوَاماً مِنْ عَيْشٍ، أَوْ قَالَ سَدَاداً مِنْ عَيْشٍ، وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ حَتَّى يَقُولَ ثَلَاثَةً مِنْ ذَوِي الْحِجَا مِنْ قَوْمِهِ لَقَدْ أَصَابَتْ فَلَاناً فَاقَةً، فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يَصِيبَ قَوَاماً مِنْ عَيْشٍ، أَوْ قَالَ: سَدَاداً مِنْ عَيْشٍ، فَمَا سَوَاهُنَّ فِي الْمَسْأَلَةِ يَا قَبِيصَةَ، فَسُحَّتْ يَأْكُلُهَا صَاحِبُهَا سُحْتاً»

ترجمه: من دیتی را به عهده گرفته نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم تا از آن حضرت خواهان کمک کردم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند، در نزد ما بمان تا مال زکات بیاید و دستور بدهم تا از آن مال برایت بدهند؛ سپس فرمودند: ای قبیصه، سوال کردن تنها برای سه شخص حلال است: شخصی که دیتی را به عهده می‌گیرد؛ پس سوال کردن برای آن جایز است تا دیت را اداء کند، بعداً سوال کردن را ختم کند، شخصی که مال اش به بلای دچار می‌شود و به اثر آن مال اش از بین می‌رود؛ پس برای این شخص سوال حلال است تا مال کفاف زندگی اش را به دست آورد، یا فقر و تنگ‌دستی برایش پیش آمده؛ طوری که سه نفر از عقلاء قوم اش فقر و تنگ‌دستی اش را تأیید کنند و بگویند که فلانی را فقر و تنگ‌دستی رسیده

است؛ پس برای این شخص سوال جائز است تا مقدار کفاف زندگی اش را دریابد، ای قبیصه هرکس غیر از این سه شخص زکات را بخورد حرامی را خورده است.

اما کسانی که دین را به خاطر مصالح شخصی خودشان متحمل شدند، به خاطر پرداخت دین شان زکات برای شان جائز می باشد؛ خواه این اشخاص فقیر باشند و یا غنی و این در صورتی است که این اشخاص توان پرداخت دین شان را نداشته باشند؛ اما در صورتی که توان پرداخت دین شان برای شان میسر باشد، زکات برای شان جائز نمی باشد.

فی سبیل الله: منظور از فی سبیل الله در راه جهاد است؛ یعنی در راههایی که جهاد به آن ضرورت داشته و یا جهاد بر آن متوقف می شود؛ از قبیل: تشکیل لشکر و اردو، بر پا کردن تسلیحات نظامی، هرجا که در قرآن «فی سبیل الله» ذکر شده است تنها منظور جهاد است؛ پس زکات برای تمویل جهاد و لوازم و اسباب آن پرداخته شده و مقدار آن تعیین نمی باشد. پس جائز است که همه زکات و یا قسمتی از آن به راه جهاد پرداخته شود و این تعلق به رأی و نظر خلیفه داشته که با در نظر داشت مصلحت احوال مستحقین زکات تصمیم خود را می گیرد. ابوداود از ابو سعید روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لا تحل الصدقة لغني إلا في سبيل الله»

ترجمه: زکات برای غنی جائز نیست؛ مگر این که در راه الله سبحانه و تعالی باشد.

در روایتی دیگری آمده است:

«... أو لغازٍ في سبيل الله...»

ترجمه: یا مجاهدی که در راه الله سبحانه و تعالی باشد.

ابن سبیل: ابن سبیل کسی است که در سفر بوده و مالی ندارد تا به محل سکونت و شهرش برسد؛ پس مقداری از زکات برایش داده شود که به شهرش برسد. چه این مال کم باشد و یا زیاد؛ چنانچه مقدار خرج و مصارف اش داده شده تا به شهرش برسد؛ اگرچه این شخص در شهر خودش غنی باشد، به خاطر این که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«لا تحل الصدقة لغني إلا في سبيل الله، أو ابن السبيل، أو...»

ترجمه: صدقه برای غنی جائز نیست؛ مگر این که در جهاد و یا در سفر باشد.

غیر از هشت صنف متذکره زکات برای کسی جائز نبوده؛ پس زکات برای اعمار مساجد، شفاخانهها، نهادهای خیریه یا هر مصلحت دولت و امت جائز نیست؛ زیرا زکات ملک مخصوص همین هشت صنف ذکر شده در قرآن بوده، دیگر کسی در این حق شریک نمی باشد.

خلیفه صلاحیت دارد که حسب رأی و نظر خودش با در نظر داشت مصالح همین اصناف زکات را بدهد؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفاء بعد از آن به این عمل می پرداختند. برای خلیفه جائز است که زکات را بالای همه این هشت صنف توزیع کند و یا بالای بعضی از این هشت صنف، این صلاحیت تعلق به خلیفه و مصلحت همین اصناف دارد. اگر این اصناف موجود نبود زکات در خزانه بیت المال در دیوان صدقات حفظ شده تا در زمان نیاز به آن مصرف شود. ابوعبید از ابن عباس روایت نموده است که در مورد زکات گفته است:

«إذا وضعتها في صنف واحد من الأصناف الثمانية أجزأك»

ترجمه: وقتی زکات را در یکی از اصناف هشت گانه گذاشتی جائز است.

عطاء، حسن و هم چنان از مالک روایت شده که گفته است: «به نظر ما، تقسیم زکات تعلق به اجتهاد والی دارد؛ یعنی هر صنفی که به نظر والی نیاز بیش تر به زکات داشت زکات برای همان صنف پرداخته می شود. (ختم نقل قول از کتاب: «اموال در دولت خلافت»)

امیدوارم که همین مقدار برای جواب سوال شما کافی باشد، الله سبحانه و تعالی عالم تر و در کارش با حکمت تر است.

برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته

17 شعبان 1441 هـ.ق.

10 اپریل 2020 م.

مترجم: مصطفی اسلام